

# سیراف: تجارت دریایی ایران و چین در اواخر دوره ساسانی و اوایل قرون اسلامی

حمیدرضا پاشا زانوس<sup>۱</sup>

دانش آموخته دوره دکتری تاریخ دانشگاه تهران

فرج اله احمدی

دانشیار تاریخ دانشگاه تهران

(از ص ۴۹ تا ص ۶۴)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۶/۱۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۹/۸

## چکیده

روابط تجاری ایران و چین از طریق مسیرهای دریایی در دوره ساسانی از جمله مباحث مورد اختلاف در میان پژوهشگران این حوزه از مطالعات است، تا جایی که برخی ادعا می‌کنند که هیچ گونه شواهدی از تماس مستقیم دریانوردان و بازرگانان چینی و ایرانی در دوره باستان وجود ندارد و تجارت مستقیم بین این دو کشور در قرون نخستین بعد از اسلام آغاز شده است. مقاله حاضر بر آن است تا براساس شواهد تاریخی، باستان‌شناختی و مدارک سکه‌ها در ایران و چین نشان دهد که ارتباطات بین ایران و چین از قرن ششم میلادی با حضور ایرانیان در بنادر جنوب چین آغاز شده است. بعدها خلیج فارس، به خاطر اهمیت یافتن سیراف در گسترش تجارت دریایی بین ایران و چین در قرن نهم میلادی، مرکز تجارت منظم بین ایران و چین از طریق دریا بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** ایران، چین، عصر ساسانی، تجارت دریایی، سیراف.

## ۱. مقدمه

در اواخر دوره ساسانی، ایران بر بخش عمده‌ای از خاور نزدیک حکومت می‌کرد. در همان زمان، نفوذ فرهنگی ساسانیان از مرزهای قلمرو شاهنشاهی آنان فراتر رفته و دامنه آن تا غرب اروپا، آفریقا، هندوستان و چین گسترش یافت. اگرچه در این زمان رابطه سیاسی میان ایران و چین بسیار اندک بود، اما به علت موقعیت جغرافیایی استثنائی ایران به عنوان قطب میان شرق و غرب، به خصوص زمانی که در وسط جاده ابریشم قرار داشت، هردو تمدن رابطه فرهنگی و بازرگانی گسترده‌ای داشتند. جاده ابریشم از چین تا دریای مدیترانه از میان قلمرو ساسانی می‌گذشت و به این سبب، ساسانیان بر یکی از مهمترین مسیرهای تجاری آسیا تسلط داشتند.

مطالعه تطبیقی منابع این دوره درک این مسئله را میسر می‌کند که دو تمدن مذکور چگونه از طریق تجارت دریایی با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. ارتباط میان رومیان، ایرانیان و چینی‌ها به مبادلات مکرر افکار و فنون و مضامین تزئینی انجامید. در قرن‌های پنجم و ششم، کالاهای پارسی نقشی مهم در تجارت دریایی با خاور دور ایفا می‌کردند. شواهد و مدارک مربوط به این تجارت دریایی در موقعیت‌های مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. با این حال، نظرات درباره این که آیا تجار پارسی به مراکز تجارت چین رفت و آمد داشته‌اند یا خیر و این که به چه میزان رفت و آمد داشته‌اند متفاوت است. پیشینه مطالعات در باب تماس و برهمکنش فرهنگ‌های چین و ایران از طریق مسیر آبی جاده ابریشم در دوره باستان و اوایل قرون اسلامی به طور کلی بسیار بغرنج و آشفته است. از یک سو، گروهی از دانشمندان مانند پلیو و یول به تماس مستقیم بین چین و ایران از طریق خلیج فارس در دوره پیش از اسلام قائل‌اند (Yule, 1903: 83; Chau Ju-kua, 1911: 7-8; Pelliot, 1929: 110-12; Hourani, 1947:157; Whitehouse and Williamson, 1973b: 45-46). و از طرف دیگر برخی نیز مانند جرج حورانی<sup>۱</sup> اساساً وجود این تماس را در دوره باستان منکرند. اما با کشف سکه‌های پادشاهان ساسانی در جنوب چین (Sun, 2004: 42) و همچنین پیدا شدن سکه‌های دوره تانگ و سونگ در سیراف می‌توان از آغاز تماس مستقیم بین دریانوردان و تاجران ایران و چین در اواخر دوره باستان و گسترش آن در قرون نخستین اسلامی به مرکزیت بندر سیراف سخن گفت. سکه‌های سیراف طی کاوشهای وایتهاوس و محمد اسماعیل اسمعیلی در این بندر از زیر خاک بیرون کشیده شدند (شکل‌های ۴۳، ۲، ۱).

از این رو، مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق حاضر عبارتند از اینکه تماس مستقیم بین تاجران و دریانوردان ایران و چین از طریق مسیر دریایی جاده ابریشم از چه دوره‌ای آغاز شده است؟ و ایرانیان تا چه حد و در چه زمینه‌هایی با چین تماس داشته و جایگاه بندر سیراف در شکل‌گیری

1. George Hourani

تجارت ایران و چین از طریق مسیر دریایی تجارت ابریشم چگونه بوده است؟ در پاسخ به پرسش‌های فوق اجمالاً و به احتمال می‌توان گفت که به علت حضور ایرانیان در بنادر جنوبی چین، روابط مستقیم میان ایرانیان و چینی‌ها از قرن ششم بعد از میلاد آغاز شده است. اما این ارتباط از طرف چینی‌ها تا پایان قرن هشتم بعد از میلاد شروع نشده بوده است. در این زمان و پس از آن، در قرن نهم بعد از میلاد (سوم هجری)، خلیج فارس، به علت نقش بندر سیراف در گسترش روابط ایران و چین مرکز تجارت مستمر بین دو سرزمین بوده است.

### ۱. بازرگانان ایرانی و چینی در دوره پیش از اسلام: پرسش‌هایی در مورد ارتباط

#### بین دو تمدن در مسیر آبی جاده ابریشم:

به طور کلی، تماس مستقیم بین بازرگانان ایرانی و چینی در دوره پیش از اسلام تا حدی بحث انگیز است. همانطور که اشاره شد، در اوایل قرن بیستم برخی از محققین به تماس مستقیم بین چین و ایران از طریق خلیج فارس در پیش از اسلام معتقد بودند. ادعای آنها نخست بر اشارات طبری، بلاذری و دینوری به کشتی‌های چینی در بندر اُبله در زمان فتوحات مسلمانان (بلاذری، ۱۳۶۷: ۴۷۹؛ طبری، ۱۱/۱۳۵۳: ۱۷۴) و همچنین اشاره مسعودی در *مروج الذهب* به اینکه «در دوره ساسانی کشتی‌هایی از هند و چین در حیره لنگر انداختند» استوار بوده است (مسعودی، ۱/۱۳۵۶: ۱۳۷). از طرف دیگر، استدلال آنها بر عبارتی در کتاب *سونگ شو*<sup>۱</sup> مبتنی بوده که می‌گوید کشتی‌ها به آن سوی سیلان حرکت می‌کردند (Whitehouse and Williamson, 1973b: 45-46) و همچنین بر گزارشی که می‌گوید در سال بر طبق آن در ۷۶۲ م. یک چینی به نام دو هوان<sup>۲</sup> در جنگ تلاس دستگیر شد و او را با قایق از خلیج فارس به وطنش فرستادند. اما اخیراً برخی محققین استدلال می‌کنند که بازرگانان ساسانی معمولاً تولیدات چین و آسیای جنوب شرق را در بنادر سیلان در جنوب هند مبادله می‌کردند، اما خودشان به ندرت به بنادر چین می‌رفتند (Hourani, 1947:157; Whitehouse and Williamson, 1973b: 45-46; Deeg, 2009; 153). با توجه به سکه‌های کشف شده در بنادر جنوبی چین و شواهد و مدارک باستان‌شناسی حضور ایرانیان در چین، کره و ژاپن در اواخر دوره ساسانی و متون تاریخی این دوره، به نظر می‌رسد که در اواخر دوره ساسانی میان دو فرهنگ ارتباطاتی وجود داشته است (Schafer, 1951: 408). می‌دانیم که از آغاز دوره ساسانی، بازرگانان ایرانی و مبلغان مذهبی که به ترویج ادیان زردشتی، نسطوری و مانوی مشغول

1. ((Sòng Shū (宋书، چینی: Book of Song)

2. Du Huan

بودند، از چین دیدن می‌کردند و حتی مأموران ساسانی را به چینی Sa-pao می‌نامیدند (Laufer, 1919: 529).

براساس گفتهٔ کوسماس ایندیکوپلوستس<sup>۱</sup> که بازرگانی از اسکندریه بود و در طول فرمانروایی امپراتور یوستینیان (۵۲۷-۵۶۵ م.) در قرن ششم میلادی در چند مقطع به هند سفر داشت و همچنین طبق گفتهٔ پروکوپئوس (۵۰۰-۵۶۵ م.)، بازرگانان ایرانی و چینی در حدود قرن ششم میلادی برای مبادله تولیداتشان به طور منظم با هم ارتباط داشته‌اند (Cosmas, 1897: 366-367).

حضور ساسانیان در سیلان بزرگی بازرگانی این حکومت را نشان می‌دهد. این مسئله را می‌توان با تکیه بر نخستین منابع اسلامی تأیید کرد. مطابق روایت طبری و ثعالی، ناوگان ساسانی در حکومت خسرو اول سیلان را فتح کردند (دریایی، ۱۳۸۴: ۵۰). به نظر می‌رسد که در اواخر دورهٔ ساسانی، ساسانیان دریاها را تحت تسلط خود درآوردند و از این رو با رومیان برخورد پیدا کردند. آنها با رومیان رقابت می‌کردند و برای کسب امتیازات انحصاری تجاری تا سیلان با این دولت در اختلاف بودند و به نظر می‌رسد که ساسانیان حتی در مالزی مستعمره داشته‌اند (Kröger, 1979: 447). در قرن پنجم و ششم، کالاهای ساسانی رواج بسیار داشت و حتی گاهی bo-si، یعنی کالاهای ساخت ایران یا کالاهایی که ایرانیان به چین می‌برده‌اند، برای کالاهای غیرایرانی که از غرب به چین وارد می‌شد به کار می‌رفت.<sup>(۱)</sup> مطابق وی شو<sup>۲</sup> معلوم می‌شود کالاهای bo-si که به چین وارد می‌شدند عبارت بودند از: مرجان، عنبر، عقیق، مروارید، شیشهٔ شفاف و مات، سنگ بلور، الماس، فولاد، شنگرف، جیوه، کندر، زردچوبه، صمغ، حریر، فلفل سیاه، دار فلفل، خرما، اقنیطون و جزانیها. سوئی شو<sup>۳</sup> علاوه بر ذکر فهرست محصولات ایرانی که در بالا به آن اشاره شد، مواردی دیگر شامل طلا، نقره، سرب، چوب صندل، منسوجات مختلف، شکر و وسمه را به این فهرست اضافه می‌کند. اکثر این تولیدات از هند یا سیلان می‌آمدند و فقط تعداد معدودی از آنها تولیدات عربستان یا سرزمین‌های اطراف خلیج فارس بودند (Chau Ju-kua, 1911: 16).

تاکنون عقیده بر این است که در مرحلهٔ اول، خلیج فارس منطقهٔ بسیار مهم سیاسی و بازرگانی بوده است. اردشیر (۲۲۴-۲۴۲ م.) و سپس شاپوردوم (۳۰۹-۳۷۹ م.) بنادر بسیاری را در کناره‌های ساحل شمالی خلیج فارس ساختند. از جملهٔ این بنادر، رام‌اردشیر، ریواردشیر و سیراف بودند که ساسانیان با احداث آنها قدرت و اقتدار خود را در خلیج فارس مستحکم ساختند

3. Cosmas Indicopleustes

3. (Wèishū (魏书), چینی: Book of Wei)

5. (Suí Shū (隋书), چینی: Book of Sui)

(Daryaee, 2009: 62-63; Huff, 1986). این اقتدار بعدها به بازرگانان ساسانی قدرت بازرگانی بزرگی بخشید و به این ترتیب ساسانیان در قرن ششم بر تجارت با هند و سیلان تسلط یافته و تماس‌های نیز با چینیان برقرار کردند.

روش دیگری که می‌توان به وسیله آن شواهد و مدارک مربوط به تجارت را مشاهده نمود، سکه‌های یافت‌شده در بنادر تجاری است که ساسانیان به آن علاقه داشتند. از اوایل قرن بیستم، ۱۹۳۰ قطعه از سکه‌های نقره ساسانی از جمله سکه‌های عرب-ساسانی در طول حفاری‌های باستان‌شناسی در چین از زیر خاک بیرون آورده شد. محل‌هایی که این سکه‌ها از آنها یافت شدند در شین‌جیانگ و ورای آن هستند. این سکه‌ها به سیزده پادشاه ساسانی زیر تعلق دارند: شاپور دوم (۳۱۰-۳۷۹ م.)، اردشیر دوم (۳۷۹-۳۸۳ م.)، شاپور سوم (۳۸۳-۳۸۸ م.)، یزدگرد دوم (۴۳۸-۴۵۷ م.)، پیروز (۴۵۹-۴۸۴ م.)، قباد اول (۴۸۸-۵۳۱ م.)، جاماسپ (۴۹۷-۴۹۹ م.)، خسرو اول (۵۳۱-۵۷۹ م.)، هرمزد چهارم (۵۷۹-۵۹۰ م.)، خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰ م.)، اردشیر سوم (۶۲۸-۶۲۹ م.)، پوران (۶۳۰-۶۳۱ م.)، یزدگرد سوم (۶۳۲-۶۵۱ م.). اگرچه محل کشف بسیاری از این سکه‌ها در نزدیکی مسیر زمینی جاده ابریشم بود، برخی از آنها نیز در مناطق ساحلی جنوب چین یافت شدند (Curtin, 1984: 101; Thierry, 1993: 90). این سکه‌ها عبارتند از:

جدول ۲: سکه‌های نقره ساسانی کشف‌شده در استان گوانگ‌دونگ<sup>۱</sup> (Sun, 2004: 42).

سال کشف	دوره زمانی	تعداد کشف شده	مکان کشف	توضیحات
۱۹۶۰ م.	۴۹۷	۳	آرامگاه یینگ کی (Ying Qi)	کشف‌شده در یک جعبه چوبی مخصوص
۱۹۷۳ م.	قرن پنجم میلادی	۸	معبد کوچیانگ نان هوا (Qujiang Nan Hua)	
۱۹۸۴ م.	حدود قرن پنجم میلادی	۲۰	سرداب سلسله‌های جنوبی گوانگ‌دونگ	

باتوجه به سکه‌های ساسانی که در نواحی ساحلی استان گوانگ‌دونگ در نزدیکی دریا یافت شده‌اند، می‌توان این‌گونه فرض کرد که مسکوکات از طریق تجارت دریایی و به احتمال بسیار از استان فارس به بنادر جنوب چین راه یافته‌اند (Sun, 2004: 42). برخی از سکه‌های یافت‌شده در استان گوانگ‌دونگ نام قباد اول را بر خود دارند و همچنین ضرب ضرابخانه فارس و نواحی هم‌جوار هستند و به نظر می‌رسد که از طریق دریا وارد بنادر جنوب چین شده‌اند (Cribb, 1986: 814). علاوه بر سکه‌های کشف‌شده در گوانگ‌دونگ، حداقل در سه محوطه نزدیک دریا در جنوب شرقی چین نیز سکه‌هایی متعلق به ساسانیان یافت شده که این احتمال را به وجود

می‌آورد که کشتی‌ها این سکه‌ها را از خلیج فارس آورده‌اند. این محوطه‌ها شامل کوکونگ<sup>۱</sup>، یینگ‌داک<sup>۲</sup> و سویی‌کای<sup>۳</sup> هستند که به احتمال زیاد با خلیج فارس تجارت داشته‌اند (Nai, 1961: 93,107). بسیاری از سکه‌ها مربوط به اواخر قرن پنجم میلادی‌اند و برخی نیز به اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم میلادی تعلق دارند و این نکته بار دیگر نشان‌دهنده اهمیت خلیج فارس در اواخر دوره ساسانی است (Nai, 1961: 95). تاریخ سکه‌ها نشان می‌دهند که در دوره چپ<sup>۴</sup> در کوکونگ و یینگ‌داک، که استان‌های ساحلی هستند بوده‌اند، مدفون شده (Nai, 1961: 171). جهت یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش که آیا تعداد قابل ملاحظه‌ای سکه به ضرب ضرابخانه فارس وجود دارد یا خیر، بررسی ضرب ضرابخانه سکه‌هایی که در ناحیه ساحلی یافت شده‌اند می‌تواند راهگشا باشد. در سویی‌کای، چهار سکه یافت شده که ضرب کرمان، استخر، دارابگرد و ری‌اند (Thierry, 1993: 95). اگرچه تعداد این سکه‌ها ناچیز است، اما برداشت ما این است که آن‌ها متعلق به استان فارس و ناحیه ساحلی خلیج فارس هستند. همچنین ممکن است سکه‌های ساسانی که در بنادر چینی از زیر خاک بیرون کشیده شدند مدرکی دال بر حضور ساسانیان در جنوب چین باشند، زیرا داده‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه معبدی شبیه به آتشکده‌های زردشتیان در منطقه چنگان<sup>۵</sup> در جنوب این کشور یافت شده است (Houston, 1975: 158-59). این فرضیه با توجه به متون چینی که نشان می‌دهند تجارت دریایی از پارس، یعنی خلیج فارس، و به احتمال بیشتر از فارس آغاز شده است، تأیید می‌شود.

اگرچه بین بازرگانان ایرانی و چینی در قبل از اسلام روابط اندکی وجود داشته، اما با توجه به شواهد و مدارک، از پایان قرن هشتم میلادی می‌توانیم درباره تجارت مستمر با چین صحبت کنیم. از سوی ایران، فرضیه ما اینگونه است که روابط بین ایرانیان و چینی‌ها از قرن ششم بعد از میلاد آغاز شده است، اما از سوی چین، هرت<sup>۶</sup> و راکهیل<sup>۷</sup> در آثار خود در مورد گزارش‌های چائوجو کوا<sup>(۲)</sup>، ادعا می‌کنند که هرچند ممکن است چینی‌ها در قرن ششم تا عدن یا خلیج فارس تا هرمز، سیراف، بصره یا بغداد سفر کرده باشند، اما این‌ها فقط موارد اندکی از جنس ماجراجویی‌های دریایی بوده‌اند (Chau Ju-kua, 1911: 4; Hourani, 1947:160).

- 1 . Kukong
2. Yingdak
- 3 . Suikai
4. Ch'i period (497-501 AD)
5. Ch'angan
6. Friedrich Hirth
7. W. Rockhill

سرانجام، در پایان قرن هشتم و اوایل قرن نهم بعد از میلاد، بین خلیج فارس و چین تجارت گسترده‌ای وجود داشته است. منابع نخستین اسلامی این مسئله را تایید می‌کنند. برای مثال، طبری می‌گوید که به منصور گفته شده بود که یکی از مزایای ساخت پایتخت جدیدش در بغداد این بوده است که منابع و ملزومات از چین و هند با کشتی برای شما آورده خواهند شد (طبری، ۱۱/۱۳۵۳: ۱۷۴). همچنین طبق گفته ابوزید، در آغاز قرن هفتم میلادی در بندر کانتون در جنوب چین مستعمره‌ای خارجی وجود داشته است که بیشتر از ایرانیان و اعراب تشکیل شده بود. به نظر می‌رسد که تا اواسط قرن هفتم میلادی دین اسلام وارد کانتون شده بوده است (Chau Ju- kua, 1911: 14-15). آنها تا ۸۷۸ م.، یعنی زمانی که دولت چین تمامی خارجیان را بیرون راند، در آن منطقه سکونت داشتند (Whitehouse and Williamson, 1973b: 48). در منابع چینی آمده است که در سال ۷۴۸ م. یک راهب چینی به نام جیان جن<sup>۱</sup> دچار طوفان شد. طوفان او را به جن جو<sup>۲</sup>، آی چنگ<sup>۳</sup>، یا چنگ<sup>۴</sup> امروزی در ساحل جنوبی جزیره هاینان<sup>۵</sup> در خلیج تونکین<sup>(۳)</sup> برد. در آنجا او دریافت که فردی به نام فنگ رو فانگ<sup>۶</sup>، رئیس وان آن جو<sup>۷</sup>، یعنی ناحیه امروزی امروزی لینگ-شویی<sup>۸</sup>، دو یا سه کشتی بازرگانی ایران را مصادره می‌نماید و محموله آنها را به تصرف خود درمی‌آورد و از خدمه کشتی‌ها به عنوان خدمتکار استفاده می‌کند. (Takakusu, 1928: 461-62). گفته فوق شاهد خوبی است که نشان می‌دهد در دوره تانگ (قرن هشتم میلادی) کشتی‌های پارسی به دفعات به بنادر جنوب چین مانند هانویی<sup>۹</sup> و کانتون سفر می‌کرده‌اند. مستعمره خارجی در کانتون، همان‌طور که در بالا به آن اشاره شد، بیشتر از ایرانیان و اعراب تشکیل شده‌است. این مستعمره تا آغاز قرن هفتم حتماً مستعمره‌نشین پرجمعیتی بوده، زیرا به نظر می‌رسد دین اسلام در اواسط قرن هفتم میلادی وارد آن منطقه شد. حتی مدارکی وجود دارد که نشان می‌دهد مسلمانان در آن زمان در تسوان چوو<sup>۱۰</sup> و یانگ چوو<sup>۱۱</sup> نیز به‌طور محدود استقرار داشته‌اند. با این وجود، تسوان-چوو تازه در قرن نهم در تجارت چین اهمیت یافت. تا میانه قرن هشتم میلادی جمعیت مسلمانان در کانتون، چنان افزایش یافت که به

1. Jian Zhen
2. Zhen zhou
3. Ai-cheng
4. Ya- cheng
5. Hainan island
3. Feng Ruo-Fang
4. Wan-an-zhou
5. Ling-shui
6. Hanoi
7. Ts'uan-chou
8. Yang-chou

دلایلی که بر ما روشن نیست توانستند شهر را چپاول و غارت کنند و با آنچه که چپاول کرده بودند به دریا بگریزند (Chau Ju-kua, 1911: 14-15). می‌دانیم که ایرانیان بسیاری در این شهرها ساکن بوده‌اند. از آن‌جا که در پایان قرن هشتم و اوایل قرن نهم، ایرانیان و اعراب روابط مستمری با کانتون داشته‌اند، درک اندیشه نویسندگان مسلمان در قرن‌های نخستین ظهور اسلام، درباره چین و روابط آن با ایران سودمند و مفید خواهد بود.

## ۲. سیراف و تجارت دریایی بین ایران و چین در اوایل دوره اسلامی

اهمیت خلیج فارس و همچنین رقابت ساسانیان با رومیان بر سر تسلط بر بازارها و راه‌های تجاری سبب شد که ساسانیان در قسمت‌های مختلف خلیج فارس و دریای عرب و ورای آن بنادری تأسیس کنند. به نظر می‌رسد که در صحار در دهانه خلیج فارس در دریای عمان و همچنین چند بندر دیگر آن منطقه، قلعه‌ای ساسانی وجود داشته که احتمالاً در تجارت با شرق دور شرکت داشته است (Daryaee, 2009: 63). پایگاه مرزی ساسانیان در خلیج هرمز قرار داشته که ممکن است وظیفه آن نظارت بر کشتی‌رانی بوده باشد (Daryaee, 2003: 9-10). همچنین ساسانیان برای گسترش تجارت خود، در محل‌هایی مانند مسقط، در زمان حکمرانی خسرو اول، بنادر دیگری ساختند (Al-Naboodah, 1992: 81). این بنادر به همراه بندرهای فارس از قبیل سیراف (نقشه شماره ۱) به مثابه مرکز بازرگانی عمل می‌کردند. قدمت سیراف به زمان شاپور دوم می‌رسد (Huff, 1986).





نقشه شماره ۱: موقعیت سیراف در حاشیه خلیج فارس (مصومی، ۱۳۷۴: ۳۶)

حفاری‌های انجام‌گرفته به سرپرستی وایتهاوس، روشن ساخت که در دوره ساسانی سیراف پایگاهی نظامی بوده است (Daryaee, 1971: 5; Whitehouse, 1972: 87; Whitehouse, 2009: 63). در طول حفاری، قسمتی از استقرارگاه و قلعه‌ای کوچک کشف شد که آن را به دوره شاپور دوم نسبت داده‌اند (Daryaee, 2009: 63; Huff, 1986). نخستین جاده بین فیروزآباد و ساحل خلیج فارس جاده سیراف است. تا قرن دهم میلادی، زمانی که کاروان‌های سیراف قصد داشتند که از طریق فیروزآباد به شیراز سفر کنند از این مسیر استفاده می‌کردند (Whitehouse, 1972: 87). اگرچه به نظر می‌رسد که در دوره ساسانی سیراف پایگاه مرزی بوده است، اما در دوره اسلامی این منطقه به بندری تجاری تبدیل شده است. برای نخستین بار در حدود سال ۸۵۰ م. به سیراف به عنوان بندری در حال شکوفایی و توسعه اشاره شده و استخری نیز می‌نویسد که در زمان او، سیراف شهری پر رونق بوده است که فقط شیراز با آن برابری می‌کند (استخری ۱۳۴۰: ۱۱۳). کالاهای ساسانی-اسلامی<sup>(۴)</sup> در عراق تولید و پس از اسلامی هم به تعداد زیاد به سیراف صادر می‌شدند (Whitehouse, 1979: 881).

همچنین در این دوره، امکانات و تسهیلات تجاری بنادر اُبله و سیراف توسعه یافت. هرچند در این مقطع زمانی قدرت از ساسانیان به دست مسلمانان افتاد، اما ظهور اسلام و تسلط مسلمانان بر این منطقه تأثیر چندانی بر ساختارهای اقتصادی بنادر سواحل خلیج فارس نداشت و

اکثر بازرگانان اُبله و سیراف در آنجا به فعالیت خود ادامه می‌دادند (مصومی، ۱۳۷۴: ۲۳). تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که سیراف بندر تجاری اصلی برای کشتی‌ها بود و این بندر و بصره پایگاه‌های غربی مسیر کشتیرانی به چین محسوب شده‌اند (Hourani, 1951:70). به نظر می‌رسد با توجه به این‌که در بازگشایی خلیج فارس به روی کشتی‌ها برای رسیدن به بندر اُبله و بصره مشکلاتی وجود داشته، سیراف در رقابت اقتصادی بر رقبایش پیشی گرفته باشد. اساساً اجناس و کالاها با کشتی‌های کوچک از بصره و بنادر دیگر خلیج فارس به سیراف آورده می‌شد و سپس با کشتی‌های بزرگی به چین انتقال می‌یافت (Hourani, 1951: 69-70). سلیمان سیرافی که در سال ۲۳۷ هـ/ق ۸۵۱ م از بندر سیراف به چین رفته است، می‌نویسد که کالاهای صادراتی که قرار بود به چین فرستاده شود از سیراف به مسقط منتقل می‌شد (Sīrāfi, 2001:56-57). همچنین ابوزید، (که در حدود قرن نهم میلادی می‌زیست و خود تاجری از سیراف بود)، نوشته است که تاجران سیراف علاوه بر دریای سرخ به جده و همچنین ساحل زنگبار نیز سفر می‌کردند (سیرافی، ۱۳۸۰: ۱۱).

سیراف در طول قرن دهم بعد از میلاد (قرن چهارم هجری قمری) نیز بزرگ‌ترین بندر ایرانی در خلیج فارس بوده است و تمامی کالاهای وارداتی به آنجا منتقل و سپس از آنجا توزیع شده است. همچنین تمامی کالاهای ارزشمند و نایاب هندی نیز به سیراف صادر شده است. مطابق گفته‌های مورخین، در قرن دهم بعد از میلاد سیراف در اوج شکوفایی خود قرار داشته و دریانوردان این شهر با آفریقا، سیلان، هند، اندونزی و چین روابط بازرگانی داشته‌اند (Shafiq, 2013: 57-58).

همان‌طور که در بالا اشاره شد، اهمیت سیراف و تجارت آن در متون تاریخی و از طریق حفاری آوارهای این شهر به وضوح آشکار شده‌است. شواهد و مدارک باستان‌شناسی، مانند مسجد و ساختمان‌های دیگر، ظروف سفالی و سکه‌های چینی و همچنین ابزارهای کشتی‌سازی، رشد و توسعه سیراف در آن زمان را تایید می‌کنند. ظروف سفالی لعابی به دست آمده از سیراف حاوی درصد بالایی از اجناس چینی است (Whitehouse and Williamson, 1973b: 49). با این وجود این اجناس صادراتی ترتیب زمانی یکسانی ندارند: محوطه‌های ساسانی مانند نخستین محوطه‌های اسلامی از آثار چینی تهی بوده‌اند. برای مثال از محوطه‌های اولیه در سیراف فقط یک قطعه چینی بدست آمده که زیر آخرین مرحله یافت شده و می‌توان آن را به قرن هشتم تاریخ‌گذاری کرد. از مسجد جامع سیراف که در ۸۰۳/۴ م. یا کمی بعد از آن ساخته شده است صدها قطعه چینی بدست آمده که زیر لایه اصلی قرار دارد (Whitehouse and Williamson, 1973b: 49).

سکه‌های چینی نسبتاً زیادی در سیراف کشف شده (شکل‌های ۱، ۲، ۳، ۴). که اساساً به سلسله‌های تانگ و سونگ تعلق دارند (Cribb and Potts, 1996: 115). اکثر سکه‌های کشف‌شده در سیراف متعلق به سلسله سونگ هستند (Lowick, 1985: 43). سکه‌های بیشمار چینی و همچنین قطعاتی که هم‌زمان با آنها یافت شده‌اند، این فرضیه را تأیید می‌کنند که بعد از اسلام روابط چین و ایران از طریق بندر سیراف گسترش یافته است. در حقیقت، علیرغم حضور ایرانیان در بنادر چینی در حدود قرن ششم میلادی، خلیج فارس شاهد حضور چینیان در پایان قرن هشتم بعد از میلاد و بعدها در قرن نهم بعد از میلاد و خصوصاً در سیراف بوده است. وجود سکه‌های چینی در سیراف بر شکوفایی و رونق تجارت در این شهر دلالت دارد و مطابق گفته ابوزید سیرافی، در معاملاتی که در سیراف انجام می‌گرفته از سکه‌های چینی استفاده می‌شده است (Sīrāfi, 2001:95) این مسئله از بقایای اشیای وارداتی سلسله تانگ مانند ظروف وارداتی (Whitehouse, 1973a: 241-243) و اقلام دیگری مانند سکه‌های چینی و ظروف سفالی که در سیراف یافت شده‌اند، آشکار می‌شود (Whitehouse, 1970a: 30-31).

توسعه و گسترش تجارت و خصوصاً تجارت دریایی با چین در این منطقه به افزایش تولیدات و مصنوعات کشورهای مسلمان منجر شد. صادرات اجناس و کالاها به مناطق دوردست جهان نیز منافع فراوانی به همراه داشت که از یک طرف ثروت مردم را افزایش داد و از طرف دیگر توسعه خزانه را نیز سرعت بخشید (Shafiq, 2013: 57-58). (مطابق گفته المقدسی، سیراف تا اواخر قرن دهم بعد از میلاد همچنان شکوفا بوده اما در آن زمان توالی حوادث باعث افول این شهر شده و سیراف دیگر هرگز نتوانسته شکوفایی و رونق خود را بازیابد (Shafiq, 2013: 57). عواملی مانند زلزله‌های سال ۹۷۷ م، که هفت روز به طول انجامید (ابن بلخی، ۱۳۷۴: ۴۱۷؛ Whitehouse, 1970b: 142; Wilkinson, 1974: 123)، شکل‌گیری بنادر رقیب و همچنین سقوط خاندان آل بویه در ۱۰۵۵ م، در کنار هم زمینه لازم را برای سقوط تقریباً کامل سیراف فراهم ساختند (Shafiq, 2013: 57-58; Whitehouse, 1970b: 142). اما علیرغم این تحول، تجارت با چین از طریق دیگر بنادر خلیج فارس ادامه یافت.

#### نتیجه

خلیج فارس به علت موقعیت استراتژیک خود به عنوان پل میان شرق و غرب، در طول تاریخ مورد توجه ایرانیان بوده است و توجه به این ویژگی مهم سلسله‌های حاکم را به ساخت بنادر در سواحل آن ترغیب می‌کرده است. ساسانیان در طول دهه‌های آغازین حکومتشان بر ایران تا قرن ششم بعد از میلاد، به منظور تسلط بر تجارت دریایی با هند، سیلان و خاور دور، مبادرت به ساخت بنادر بیشماری در طول سواحل خلیج فارس نمودند که یکی از مهمترین آنها بندر سیراف

بود. مطابق شواهد و مدارک باستان‌شناسی، منابع نخستین اسلامی، منابع چینی و منابع رولی، به نظر می‌رسد که در قرن ششم بعد از میلاد، ساسانیان بر تجارت دریایی اقیانوس هند تسلط داشته‌اند. با تفوق حکومت ساسانی بر اقیانوس هند، از جمله سیلان، بازرگانان چین و ایران به طور مستمر برای تبادل تولیداتشان در سفر بودند.

مطابق منابعی که در بالا به آنها اشاره شد و سکه‌های ساسانی یافت‌شده در بنادر جنوبی چین، از جمله گوانگ‌دونگ، کوکوگنگ، پینگ‌داک و سویی‌کای، به احتمال بسیار بازرگانان ساسانی در قرن ششم بعد از میلاد به بنادر جنوبی چین رسیده‌اند. از سوی دیگر، می‌توان گفت که در پایان قرن هشتم و اوایل قرن نهم بعد از میلاد بود که چینیان وارد خلیج فارس شدند و با ایرانیان روابط مستقیم برقرار کردند. در طول حفاری‌های سیراف، ظروف سفالی لعاب دار چینی، ظروف چینی، کاشی و اجناس و کالاهای دیگر به دست آمده‌است. ظروف چینی به طور ناگهانی در خلیج فارس نمود پیدا کردند و ورود آنها در حدود سال ۸۰۰ م. تخمین زده می‌شود. در حقیقت، پایان قرن هشتم و اوایل قرن نهم میلادی آغاز تجارت گسترده میان بنادر جنوبی چین و خلیج فارس بوده است. طبق مدارک و شواهد، با آغاز قرن نهم بعد از میلاد، بندر سیراف جایگزین بصره و ابله شده است. سیراف در قرن دهم بعد از میلاد به اوج رونق خود رسید. تجارت سیراف با مکان‌های دوردستی مانند چین و زنگبار در شرق آفریقا در متون معاصر آن دوره تصریح شده است. در میان کالاهای چینی که گستردگی تجارت با چین را روشن می‌سازد، سکه‌ها نیز قرار دارند. اگر سکه‌های ساسانی کشف‌شده در چین را با تعداد نسبتاً زیاد سکه‌های چینی که در سیراف یافت شده‌اند و به سلسله‌های تانگ و سونگ تعلق دارند (شکل‌های ۱، ۲، ۳، ۴)، مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که میان بازرگانان دو کشور روابط تجاری وجود داشته است به این صورت که برای نخستین بار در حدود قرن ششم میلادی، ایرانیان این روابط را آغاز کردند و سپس در پایان قرن هشتم میلادی، یعنی زمانی که چینیان در خلیج فارس فعال شدند، تجارت بین ایران و چین شکلی مستمر و منظم یافت.

### پی‌نوشت

۱. مطابق تواریخ سلسله‌ای چینی، که دوره‌ای از پایان قرن چهارم تا آغاز قرن هفتم را پوشش می‌دهند، تمام تولیدات هند، چین، سیلان، عربستان و ساحل شرقی آفریقا به عنوان «تولیدات bo-si» دسته‌بندی می‌شوند و اکثریت تجاری که این کالاها را به چین آورده‌اند متعلق به سرزمین bo-si هستند (Chau Ju-kua, 1911: 7-8)

۲. چائو جو کوا (Chau-Ju-Kua، چینی: 趙汝适؛ ۱۱۷۰-۱۲۲۸ م.): نویسنده چینی سده‌های ششم و هفتم قمری بوده است. اثر وی به نام چوو فان چی (Description of the Barbarous Peoples،

- چینی: (諸蕃志) Chu-fan-chi ( شامل دو جلد است که به توضیح تجارت دریایی بین چین و سرزمینهای غربی، از جمله ایران و خلیج فارس، اختصاص دارد (Chau Ju-kua, 1911: V).
۳. خلیج تونکین Gulf of Tonki (به چینی: 北部灣) شاخه شمال غربی دریای جنوبی چین است که در بین چین (شمال و شرق)، جزیره هاینان (شرق) و ویتنام شمالی (غرب) واقع شده است.
۴. منظور از اصطلاح ساسانی-اسلامی، آثار هنری ساسانی مانند ظروف سفالی است که در دوره اسلامی بدون تغییر در سبک دوره ساسانی تولید آن تداوم داشت (Insoll, 2005: 117).

#### منابع

- ابن بلخی (۱۳۷۴). *فارسنامه، توضیح و تحشیه از منصور رستگار فسایی، شیراز، بنیاد فارس شناسی*.
- استخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۴۰). *مسالک و ممالک، تصحیح ایرج افشار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب*.
- اسمعیلی، محمد اسماعیل (۱۳۸۶). « گزارش مقدماتی کاوش نجات بخشی در سیراف (بخش اول): کاوش در ترانسه (۱) » مجموعه مقالات نهمین گردهمایی سالانه باستان شناسی ایران، تهران، پژوهشکده باستان شناسی، جلد سوم، صص. ۵۶-۱۸.
- بالذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۷). *فتوح البلدان، ترجمه و مقدمه از دکتر محمد توکل، نشر نقره، چاپ اول*.
- دریایی، تورج (۱۳۸۴). *تاریخ و فرهنگ ساسانی، ترجمه مهرداد قدرت دیزجی، ققنوس*.
- سیرافی، ابوزید (۱۳۸۰). *رحله السیرافی، بغداد، دارالحدیث، جلد اول*.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۲). *تاریخ طبری (تاریخ الرسل و الملوک)*. ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- قاسم بگلو، مرتضی (۱۳۸۵). *سکه های سیراف، بوشهر، انتشارات موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران*.
- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۱۳۵۶). *مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب*.
- معصومی، غلام رضا (۱۳۷۴). *سیراف (بندر طاهری)، تهران، نشر قطره، چاپ دوم*.

- Al-Naboodah, H. M. 1992. The Commercial Activity of Bahrain and Oman in the Early Middle Ages, *the Seminar for Arabian Studies*, 22:81-96.
- Chau Ju-kua. 1911. *His Work on the Chinese and Arab Trade in the twelfth and thirteenth Centuries, entitled Chu-fan-chi*, Translated from the Chinese and Annotated by Friedrich Hirth and W. W. Rockhill, St. Petersburg, Printing Office of the Imperial Academy of Sciences.
- Cosmas Indicopleustes. 1897. *The Christian Topography of Cosmas, an Egyptian Monk*, New York, tr. by J. W. McCrindle.
- Cribb, J. 1986. Far East," in: *A Survey of Numismatic Research 1978-1984*, vol. 2, eds. M. Price, E. Besly, D. Macdowall, M. Jones, and A. Oddy, London. pp. 81-85.
- Cribb, J and Potts, D. 1996. Chinese coin finds from Arabia and the Persian Gulf, *Arabian Archaeology and Epigraphy*: 108-118.

- Curtin, Philip D. 1984. *Cross-Cultural Trade in World History*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Daryaei, T. 2003. The Persian Gulf Trade in Late Antiquity, *Journal of World History*, vol. 14, 1:1-16.
- Daryaei, T. 2009. The Persian Gulf in Late Antiquity: The Sasanian Era (200-700 C.E.), *The Persian Gulf in History*, ed. L.G. Potter (57-70), Palgrave, New York.
- Deeg, M. 2009. Maritime Routes in the Indian Ocean in Early Times According to Chinese Buddhist Texts, in: Ralph Kauz (ed.), *Interaction on the Maritime Silk Road: From the Persian Gulf to the East China Sea*, Wiesbaden: Harrassowitz-Verlag.
- Hourani, George. 1951. *Arab Seafaring: in the Indian Ocean in Ancient and Early Medieval Times*, Princeton, Princeton University Press.
- Hourani, George. 1947. Direct Sailing between the Persian Gulf and China in Pre-Islamic Times, *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, No. 2 :157-160.
- Houston, R. C. 1975. A Note on Two Coin Hoards Reported in Kao Ku, *The American Numismatic Society*, Museum Notes 20:153-160.
- Hsia Nai. 1974 . Tsung-shu Chung-kuo ch u-t'u ti Po-ssu Sa-san ch'ao yin-pi' (A survey of Sasanian silver coins found in China), *K'ao-ku hsüeh-pao*: 91-110.
- Huff, D. 1986. "Archaeology iv. Sasanian," *Encyclopedia Iranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/archeology-iv>
- Insoll, T. 2005. *The Land Of Enki In The Islamic Era: Pearls, Palms, and Religious Identity in Bahrain*, London, Kegan Paul.
- Kauz, R and Ptak, R. 2001. Hormuz in Yuan and Ming sources, . In: *Bulletin de l'Ecole française d'Extrême-Orient*, Tome 88:27-75.
- Kröger, J. 1979. Sasanian Iran and India: Questions of Interaction, in: *South Asian Archaeology*, ed. H. Härtel (Association of South Asian Archaeologists in Western Europe: 441-448.
- Laufer, Berthold. 1919. *Sino-Iranica; Chinese contributions to the history of civilization in ancient Iran*, with special reference to the history of cultivated plants and products, Chicago, Publication (Field Museum of Natural History:1909), Anthropological series, vol. xv, no. 3.
- Le Strange, G. 1873. *The Lands of the Eastern Caliphate*, New York, Barnes and Noble.
- Lowick, Nicholas M. 1985. *The coins and monumental inscriptions*, London, The British Institute of Persian Studies.
- Nai, H. 1961. *Studies in Chinese Archaeology*, Peking, The Institution of Archaeological, Academia Sinica.
- Park, Hyunhee. 2012. *Mapping the Chinese and Islamic Worlds: Cross-Cultural Exchange in Pre-Modern Asia*, Cambridge University Press.

- Pashazanous, Hamidreza. 2012. China in Ferdowsi's Thoughts. in: *Proceedings of the Fourth International Conference on Ancient World History*, June 16-18, 2012, Nankai University, Tianjin (China), pp. 94-105.
- Pelliot, Paul. 1929. Des Artisans. Chinois à la Capitale abbaside en 751-762, *Toung-pao*, XXVI. Leiden: 110-13.
- Pelliot, Paul. 1959. Notes on Marco Polo, vol. I, Paris.
- Pulleyblank, Edwin G. 1991. Chinese-Iranian Relations i. Pre-Islamic Times, *EncyclopediaIranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/chinese-iranian-i>
- Schafer, E. H. 1951. Iranian Merchants in T'ang Dynasty Tales, *Semitic and Oriental Studies Presented to William Popper*, University of California Publications in Semitic Philology, vol. XI:403-422.
- Schafer, E. H. 1963. *The Golden Peaches of Samarkand. A Study of T'ang Exotics*, Berkeley and Los Angeles.
- Shafiq, S. 2013. *Seafarers of the Seven Seas: The Maritime Culture in the Kitab 'Aja'ib al-Hind by Buzurg Ibn Shahriyar (d. 399/1009)*, Berlin: Klaus Schwarz Verlag, 2013.
- Spuler, B. 1992. Commerce iv. Before the Mongol Conquest, *EncyclopediaIranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/commerce-iv>
- Sun Li. 2004. 萨珊银币在中国的分布及其功能 [Distribution of Sassanian Silver Coins and their Functions in China], *The Chinese Journal of Archaeology*, Vol.1:35-54.
- Takakusu, J. (1928). "Le voyage de Kanshin en Orient (742-754) par Aominno Mabito Genkai (779)," in: *Bulletin de l'École Française d'Extrême Orient*, vol. 28, Paris, pp. 1-41, 441-72.
- Thierry, F. 1993. Sur les monnaies sassanides trouvées en Chine, in: *Circulation des monnaies, des marchandises et des biens, Res Orientales*, vol. 5, ed. R. Gyselen, Bures-sur-Yvette.
- Wang Gungwu. 1958. The Nanhai Trade. A Study of the Early History of Chinese Trade in the South China Sea, in: *Journal of the Malayan Branch of the Royal Asiatic Society*, 31/2:1-135.
- Wilkinson, T.J. 1974. Agricultural decline in the Siraf region, *Paleorient*, 2(1):123-132.
- Wilkinson T.J. 2009. The hinterland, In: D. Whitehouse (ed.) *Siraf. History; Topography and Environment* (54-76), Oxford: The British Institute of Persian Studies Archaeological Monographs Series I. *Oxbow*.
- Whitehouse, D. 1970a. Some Chinese and Islamic pottery from Siraf. In: W. Watson (ed.) *Pottery and Metalworking in Tang China. Their*

- chronology and external relations (4-35), London: *Colloquies on Art & Archaeology in Asia* 1. Percival David Foundation of Chinese Art.
- Whitehouse, D. 1973a. Chinese Stoneware from Sirāf : The Earliest Finds, *South Asian Archaeology* (225-241), Londres: Duckworth.
- Whitehouse, D. 1968a. Excavations at Siraf. First Interim Report, *Iran*, 6:1-22.
- Whitehouse, D. 1968b. Excavations at Siraf. Second Interim Report, *Iran*, 7:39-62.
- Whitehouse, D. 1971a. Excavations at Siraf. Fourth Interim Report, *Iran*, 9:1-17.
- Whitehouse, D. 1972. Excavations at Siraf. Fifth Interim Report, *Iran*, 10:63-87.
- Whitehouse, D. 1979. Maritime trade in the Arabian Sea: the 9th and 10th centuries A.D, In: M. Taddei (ed.) *South Asian Archaeology, Papers from the Fourth International Conference of South Asian Archaeologists in Western Europe (865-85)*, Instituto Universitario Orientale: Naples.
- Whitehouse, D and Williamson, A.G. 1973b. Sasanian maritime trade, *Iran*, 11:29-49.
- Whitehouse, D. 1970b. 'Siraf: a medieval port on the *Persian Gulf*, *World Archaeology, Urban Archaeology, Vol. 2, No. 2:141-158*.
- Whitehouse, D. 1971b. The houses of Siraf, Iran', *Archaeology*, 24(3):255-62.
- Wolters, O. W. 1967. *Early Indonesian Commerce*, Ithaca, N.Y., Cornell University Press.
- Yule, H. 1915. *Cathay and the Way Thither*, vol. I, London.
- Yule, H. 1903. *Marco Polo*, London.